

مناسبت برگزاری ۳۲۵مین سالگرد تولد شاعر توسط ترکمنهای مقیم برلین

(نوامبر ۱۹۹۰)

آشنائی مختصر با شاعر اومانیست

و
داستان بردار خلق ترکمن

سورمحمد عندلیب "

آشنائی مختصر با شاعر اومانیست

و

داستان پرداز خلق ترکمن

" نورمحمد عندلیب "

اولسط

شاعر بزرگ خلق ترکمن نورمحمد عندلیب در اواخر قرن ۱۷ میلادی و بقولی در سال ۱۷۱۰ دیده به جهان می‌گشاید. بیشتر عمر خود را در — روستای "غارامازی" بخش "یئلانلی" در حومه "داش هووئر" واقع در ترکمنستان شوروی می‌گذراند. وی تحصیلات ابتدائی خود را در غارامازی طی میکند. سپس جهت ادامه تحصیلات و حشرونشر با علما و اندیشمندان زمان خود راهی خیوه شده وارد یکی از مراکز علمی این شهر میشود. در سن ۵۵ سالگی بعلت ابتلا به بیماری سختی به حدود اورگنج و خیوه کوچ نموده، بقیه عمر خود را در میان ترکمنها و اوزبکهای ساکن آن نواحی سپری میکند. وی در حدود سالهای ۷۶—۱۷۷۵ دیده برجهاان فرو می‌بندد.

نورمحمد عندلیب در تاریخ ادبیات قرن ۱۸^{هـ} خلق ترکمن بعنوان — استاد داستانپرداز، مترجم پرنیوغ و شاعر توانمند شناخته میشود. وی نه تنها در میان خلق خود، بلکه در میان سایر خلقها چون اوزبک، غاراغالپاق، قازاق تاجیک نیز بطور وسیعی شناخته شده و آثارش در بین مردم مشتاقان زیادی دارد.

مختلف

آثار متکامل و پر جنبه عندلیب در آرشیو در آرشیو ادبی جمهوریهای نگهداری میشود. این آثار در تاریخ ادبیات خلق اوزبک نیز جایگاه شایسته‌ای احراز نموده و بکرات در تاشکند به چاپ رسیده است. فزاتر از آن، در میان کلیه آثاری که تاکنون بزبانهای ترکی خلق شده است نیز آثار عندلیب جایگاه مهمی دارد.

عندلیب علاوه بر زبانهای ترکی (ترکمنی، آذربایجانی، اوزبکی، قازاگی، غاراغالپاگی، ترکی ترکیه، اویغوری...) به زبانهای عربی و فارسی نیز تسلط کامل داشته است. وی در عرصه‌های مختلف ادبی قلم زده، از جمله به نظریه نویسی

توجه ویژه‌ای داشته است.

از نورمحمد عندلیب علاوه بر ترجمه های ارزشمند، ۵ داستان، سه منظومه، تخمیسات و اشعار غنائی مختلف بجای مانده است. با توجه به قلت منابع در دسترس، پیرامون هریخش از خلاقیت ادبی و آثار وی توضیحات — مختصری ارائه میگردد.

۱- داستان نویسی — داستان نویسی در خلاقیت عندلیب جایگاه برجسته‌ای دارد و در میان شعرای کلاسیک ترکمن بیشترین داستان را عندلیب برشته تحریر درآورده است. وی که از بزرگان و اساتید مسلم دنیای ادب — خاورزمین سرمشق شایانی گرفته بود، ۵ داستان لیلی و مجنون، "یوسف وزلیخا"، "زین‌العرب"، "باباروشن" و "ملیکه مهرانگیز" را نوشته، که یادآور خمسه خودویژه‌های میباشد. هرچند عندلیب داستانها و منظومه های خود را بر اساس سوژه های موجود و رایج در بین ملل مشرق زمین خلق کرده است اما این سوژه ها را بر اساس نوع و خلاقیت شخصی و همخوان با مسائل زنده و نیازهای روحی و ویژگیهای فرهنگ خلق خود بازآفرینی نموده، همانند دهها شاعر دیگری که در این عرصهها قلم زده‌اند، مهر ویژه خود و شرایط زمان و مکان خویش را بر آنها کوبیده و در حقیقت آثار خاص خود را آفریده است.

داستان لیلی و مجنون

در رابطه با پیدایش سوژه این داستان مشهور، اکثر محققین مربوط به قرنهای ۸-۷ میلادی و مکان ظهور آنرا نیز عربستان میدانند. اما برخی دیگر چون محقق آذربایجانی "یوسف ضیا شیروانی" پیدایش آنرا مربوط به هزاره اول قبل از میلاد و در بین اقوام ساکن در بین‌النهرین میدانند که مانند بسیاری از اساطیر و داستانها از طریق این اقوام به سایر مناطق جهان و از جمله عربستان اشاعه یافته است.

اولین شاعری که این داستان را به نظم درآورده، شاعر بزرگ

آذربایجانی "نظامی کنجوی" (۱۲۰۲-۱۴۱۱ میلادی) میباشد. نظامی این

اثر ارزشمند خود را با تقاضا و اصرار شیروانشاه بزبان فارسی نوشته است. پس از وی نزدیک به ۱۳۰ شاعر روی این سوژه کار کرده، به زبانهای ترکی، فارسی، هندی، اردو، ارمنی و غیره نوشته‌اند که در حدود چهل اثر بزبانهای

ترکی (اوزبکی، ترکی ترکیه، آذربایجانی، ترکمنی...) میباشد. در این رابطه میتوان از مشاهیری چون علیشیر نوائی، امیر خسرو دهلوی، محمد فضولی، عبدالرحمن جامی نام برد.

"نورمحمد عندلیب" نخستین شاعری بود که داستان لیلی و مجنون را بصورت نظم و نثر تواما بازآفرینی کرده است. همانگونه که اشاره گردید، "لیلی و مجنون" عندلیب داستان خودویژه‌ایست که رنگ و بوی فرهنگ خلق ترکمن و ابتکارات و سلیقه‌های شخص شاعر و همچنین مسائل و شرایط زمان وی را متجلی میسازد. بنظر محققین، عندلیب بسیاری از شخصیتهای داستان را بازآفرینی نموده و کاراکترهای دیگری بآنان بخشیده است که با آنچه در آثار پیش کسوتان او بوده، بکلی متفاوت و در برخی حالات ناهمخوان میباشد.

داستان یوسف و زلیخا

"یوسف و زلیخا" سوژه‌ایست جهانی، نه تنها در شرق بلکه در — سرتاسر جهان بطور گسترده‌ای اشاعه یافته است. قدیمی‌ترین سوژه‌ایست که در ادبیات کلاسیک جهان روی آن کار شده است. محققین برآنند که این داستان در هزاره اول قبل از میلاد در میان اعراب پدید آمده و در قرن نهم قبل از میلاد وارد کتاب دینی تورات شده است. برخی نیز تاریخ پیدایش آنرا ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد ذکر کرده‌اند. قرنهای متعددی در ادبیات شفاهی مردم به حیات خود ادامه داده، در قرن چهارم قبل از میلاد وارد ادبیات مکتوب گردیده است. تنها در مشرق زمین بیش از ۱۲۰ شاعر و نویسنده براساس این سوژه اثر نوشته‌اند. این داستان نخستین بار به کوشش "علی شاعر" در قرن سیزدهم میلادی وارد ادبیات خلقهای ترک زبان شده است. هر شاعر برخورد خودویژه‌ای به این سوژه نموده، براساس شرایط زمان و مکان و پیوند زدن به وقایع و حوادث مهمی که در طول حیاتشان رخ داده است، اثری از نظر ایده و مضمون متفاوت با دیگران خلق کرده است.

داستان "یوسف و زلیخا" که توسط شاعر خلق ترکمن "عندلیب"

بازآفرینی شده است، یکی از بهترین نمونه های این داستان میباشد. کار شاعر روی این سوژه نه تنها از نظر فرم داستانی نویسی بلکه از نظر ایده و مضمون

و سیستم شخصیت آفرینی نیز با آثار پیش کسوتان این عرصه بکلی متفاوت می‌باشد. او با تطبیق دادن مضمون داستان با شرایط زندگی جامعه ترکمن دگرگونی بزرگی در آن پدید آورده است. در موارد ضرور به اختصار دست زده و یا صحنه های جدیدی وارد داستان نموده است. در يك سخن، به داستان برخوردی آزاد و مستقل نموده است.

شاعر در مقدمه داستان درباره انگیزه اقدام به نوشتن آن و منابعی که از آنها بهره گرفته است، توضیحات مختصری می‌دهد: جمعی از مشتاقان و سخن شناسان که با شاعر مراودت و همنشینی داشته‌اند پیش وی آمده خواهش می‌کنند که داستان "یوسف و زلیخا" را با قلم سحرانگیز خود برشته تحریر درآورد. عندلیب خواهش آنان را پذیرفته، با مراجعه به "قصی‌الانبیا" به انجام این امر همت می‌گمارد.

گلدی بینه بیر نیچه همدردلر،
قرب و شوجاعاتا شیری مردلر.

گلدی منینگ غاشما بیر شاسوار،
نوطقی نزیه، یاغشی سوزه اینتیظار

بارچالاری اردی مانگا همنشین،
یوزلری گول، سوزلری دیر انگبین.

دیدي اولار: عندلیب بینوا،
کونگلیمیزه دوشدی عاجاب ماجرا،

بار، "قاصص" ایچره عاجاب داستان،
نه بولادئر، قتلسانگ اونی بوستان.

دیگر داستانهای شاعر

نورمحمد عندلیب در دیگر داستانهای خود چون "سعد وقاص" (منظومه)

"زین‌العرب" و "باباروشن" که عمدتاً تم مذهبی دارند، کوشیده‌اند تا از محل شخصیت‌های دینی (حضرت محمد، خلفا، امامان...) ایده های اومانستی چون: تقدس عشق، تلطیف خصلت انسان، حرمت فرزندان به پدر و مادر و عشق والدین به فرزندان و... را با هنرمندی تصویر و خوانندگان خود را بر اساس آنها تربیت نماید.

۲- منظومه سرائی - منظومه سرائی در ادبیات خلق ترکمن نیز همانند دیگر خلقهای مشرق زمین از دیرباز مرسوم بوده است.

نورمحمد عندلیب در منظومه سرائی نیز به شیوه داستاننویسی، آثار خود را براساس سوزه های موجود خلق میکند. وی در این زمینه از سوزه های تاریخی، اساطیر و منابع ادبی بهره گرفته، آنها را بازآفرینی میکند. در زیر درباره دو منظومه "اوغوزنامه" و "نسیمی" نورمحمد عندلیب توضیح مختصر داده میشود.

"منظومه اوغوزنامه"

درباره زمان پیدایش داستانهای حماسی اوغوزنامه (اوغوزخان دسانای) در منابع ترکی چنین می‌آید: "پیدایش اوغوزنامه مربوط به دوران امپراطوری هونها می‌باشد." اوغوزنامه داستان دلاوریها، جنگها، و تدابیر داهیانة دومین - امپراطور هون "مته" (اوغوزخان) می‌باشد که در مرکزیت و نیرو بخشیدن به اقوام پراکنده ترك زبان و استقرار امپراطوری عظیمی که از چین تا آسیای میانه و آسیای صغیر گسترده بود، نقش شگرفی ایفا نمود. این داستانهای حماسی بعدها در بین اوغوزها سینه به سینه و نسل به نسل گشت، صیقل خورد، غنی تر و وزین تر گردید.

"اوغوزها" نام یکی از اقوام نیرومند ترك زبان بودند که بویژه بعد از اسلام دولت‌های نیرومندی در آسیای میانه، ایران، آذربایجان و ترکیه تشکیل دادند. از قرن یازده میلادی نام "اوغوز" که به تمامی اقوام ترك زبان آسیای میانه اطلاق میشد، بتدریج فراموش شده، از آن پس آنان را "ترکمنها" نامیدند. نسخه‌های مکتوب اوغوزنامه که به خطهای معمول در بین ترك زبانان در اعصار قبل از اسلام چون خط اویغوری نوشته شده بود، بنا به دلایل

از جمله بدلیل آنکه برای نوشتن از موادی مانند چرم استفاده میشده، مرور زمان از بین رفتنند.

"نورمحمد عندلیب" این داستانهای حماسی را در منظومه‌ای بنام "منظومه اوغوزنامه" گردآوری و برشته‌ تحریر درآورده است. این منظومه همانگونه که اشاره شد، به تاریخ اوغوزها که نیاکان اصلی ترکمنها و برخی دیگر از خلقهای ترک زبان امروزی چون ترکهای ترکیه و آذربایجانی محسوب میگردد، اختصاصی دارد. تمامی داستان حول شخصیت اوغوزخان دور میزند. در سرتاسر آن - درباره زیستگاه و سرزمین اوغوزها، جنگها و فتوحات، شیوه تقسیم سرزمینها بین فرزندان اوغوزخان، اغذیه و اشریه اوغوزها، مراسم سوگواری آنان، برخی قطعات ادبی که از اوغوزها بیادگار مانده و دیگر جنبه‌های حیات مادی و معنوی آنان توصیف میگردد.

عندلیب برای نوشتن این منظومه علاوه بر روایات موجود در بین ترکمنها، با آثار و منابع مختلف تاریخی از نزدیک آشنا شده و از آنان بهره گرفته است. از آثاری که پیش از عندلیب پیرامون تاریخ اوغوزها نوشته شده بود میتوان از "دیوان اللغت‌الترک" محمود کاشغرلی (قرن ۱۲ میلادی) - "جامع‌التواریخ" رشیدالدین فضل‌الله همدانی (قرن ۱۳-۱۴ میلادی) و "شجره‌تراکه" ابوالغازی خان (قرن ۱۷ میلادی) نام برد که اثر اخیر را ابوالغازی خان (خان خویه) با استفاده از اغوزنامه‌های موجود در بین ترکمنها و با کمک آنان نوشته است.

"عندلیب" به اوغوزخان چه‌رئای عدالت پرور و مصلح می‌بخشد. در این منظومه اوغوزخان در راه تعزکز بخشیدن به اقوام پراکنده اوغوز، ایجاد وحدت و همبستگی در بین آنان، استقرار حاکمیت و اداره امور بر اساس عدالت تلاش می‌ورزد. او به اقوام و نزدیکان خود اندرز میدهد که پیوسته امور را با عدل و انصاف پیش ببرند و همه را به یک چشم نگاه کنند:

عدل بیر سوؤگولی معشوق جاهاندا

اونکا بوقدور دوشمان، آشگار زاماندا

شاعر با طرح و اشاعه چنین آیدهای، حکام زمان خود را به عدل

و انصاف و اخذ تدابیری بنفع جامعه و مردم تنگدست فرا می‌خواند. به همین جهت حتی یورشهای اوغوزخان را توجیه میکند و چنین مینمایاند که کلیه سرزمینهایی که حاکمیت اوغوزخان را پذیرفته‌اند، نه بزور شمشیر بلکه بخاطر آگاهی از سیاستهای عدالت‌پورانه او، بطور داوطلبانه به رعایای وی تبدیل شده‌اند. شاعر از زبان اوغوزخان چنین میگوید:

اونونگ یولی شودور: "دنکلیک عدیلنی

بزاب توتدوم، اوزی برکیتدی ایلنی"

توجه عندلیب به مسائل تاریخی خلق خود از محل اوغوزنامه، چهره ملی این شاعر ارزشمند را برجسته میکند. زیرا او از طریق ایجاد و تقویت حس غرور به تاریخ و مفاخر ملی در خلق خود، در راه ارتقا روحیه و تحکیم اعتماد به نفس در آنان بخاطر افزایش توان پاسداری از موجودیت و حیثیت ملی خویش، شرافتمندانه و مسئولانه تلاش ورزیده است.

منظومه نسیمی

یکی از برجسته ترین آثار نورمحمد عندلیب نیز منظومه نسیمی می باشد.

عمادالدین نسیمی از ترکمنهای عراق میباشد. او در سال ۱۳۷۰ میلادی در روستای نسیم (در اطراف بغداد) در یک خانواده ماهیگیر دنیا می آید. نسیمی یکی از نمایندگان برجسته جنبش حروفیه و از شاگردان منصور حلاج میباشد. وی در سرتاسر آثار خود ایده اشراق و طی مدارج از دانی به عالی تا حد رسیدن به خدا و خدایی شدن انسان را پیگیرانه تبلیغ و ترویج می نماید.

حق تعالی، آدام اوغلی اوزی دیر

اوتوز ایکی حاق کلامی اوزی دیر

جمله عالم، بیلکی، الله اوزی دیر

آدام اول جاندئرکی، گونش نوری دئر.

نسیمی با ارتقاء ارزش انسان تا حد خدایی شدن، این ایده اومانستی را تبلیغ مینماید که نباید به انسانها ستم روا داشت، نباید او را

رنجانند، کسی که بخواهد ستمی بر انسان روا دارد باید از خدا بترسد زیرا که او درحقیقت خدارا میرنجانند. چون هر انسانی درحقیقت جزئی از خداست. بر همین اساس او خود را "ان‌الحق" مینامد:

بولموشام حاقی "ان‌الحق" سوئلهرم

حاق منم، حاق مندهدیر، حاق سوئلهرم

نسیمی در سال ۱۴۱۷ میلادی بجرم بیدینی، در شهر دمشق بطرز بسیار فجیعی توسط عمال خلیفه زجرکش میشود. زنده، زنده پوستش را از سر تا پا میکنند. اما آرمانهای انسانی و نام شریف او در سرتاسر شرق جاودانه میگردد. در اشعار اغلب شعرای کلاسیک خلق ترکمن، نام نسیمی بعنوان سمبل ایمان، استقامت و نועدوستی جایگاه ویژه‌ای دارد.

"منظومه نسیمی" نورمحمد عندلیب که از ۱۳۱۲ بیت تشکیل شده،

تصویر استادانایست از لحظات گوناگون و سایه - روشنهای زندگی کوتاه و فاجعه بار این استاد بزرگ سخن، فیلسوف شرق، انسان آزاده و شاعر مبارز. عندلیب در آفریدن منظومه نسیمی، ضمن بهره‌گیری از روایات موجود در بین مردم ترکمن درباره این انسان بزرگ، از اشعار خود او نیز استفاده کرده است. عندلیب با ایجاد ماهرانه فضاهای لازم، توانسته است برخی از حوادث را - بسیار برجسته‌تر و مؤثرتر از آنچه که خواننده یا شنیده بود، توصیف و تصویر نماید.

۲- ترجمه های شاعر - همانگونه که در بالا اشاره گردید، نورمحمد عندلیب علاوه بر زبانهای ترکی، به زبانهای عربی و فارسی نیز تسلط کامل داشت. در زمان حیات شاعر "خیوه" یکی از مراکز مهم علم و دانش در مشرق زمین بوده است. ترجمه آثار شعرای مختلف از زبانهای عربی، فارسی و غیره به زبانهای ترکی نیز بسیار رایج بوده است. عندلیب در این عرصه نیز فعالانه کار کرده و آثار مختلفی را به زبان ترکمنی ترجمه نموده است. در این زمینه میتوان از - ترجمه اشعار عربی عمادالدین نسیمی و همچنین ترجمه شاهنامه فردوسی، اشعار عبدالرحمن جامی و اثر فولکلوریک "میرزا همدم" از زبان فارسی به زبان ترکمنی نام برد.

نورمحمد عندلیب از طریق ترجمه آثار ادبای مختلف بزبان ترکمنی

در قرن ۱۸ میلادی، در مجموع در رشد و بالندگی ادبیات آندوره و همچنین ایجاد تفاهم و مودت در بین خلقهای مختلف نقش ارزشمند و شایسته ای ایفا نموده است.

۴- اشعار نورمحمد عندلیب - اشعار شاعر هرچند از نظر کمیت چندان زیاد نمیباشد اما آثار منظوم نیز در مجموعه خلاقیت ادبی وی جایگاه شایان توجهی دارد. از عندلیب تاکنون نزدیک به چهل شعر در فرم های غزل، مربع، مخمس، سدس و غیره یافت شده است.

شاعر در زمینه غزلیات، ضمن نظیره نویسی و تأسی از پیش کسوتان خود از نظر فرم، در غنا بخشیدن به مضامین، روانی شیوه بیان و ساده تر کردن زبان اشعار تلاش ورزیده است. او زیباییهای طبیعت، جلوههای بهار، دشتهای پرلاله و گل، چمنزاران بیکران زمردین، پرندگان و حیوانات سرزمین ترکمن را به شیوه‌ای ماهرانه ستوده است.

گلدی اول سروی سهی ناز بیله خاندان - خاندان

آلدی کونگومنی نووازش بیله چندان - چندان

غالدی لار سیر قتلاردا یوز و لاغلی لبینه،

گول باقئب، غونچا آچئب آغرئنی حایران - حایران

نورمحمد عندلیب مخمسات خود را عمدتاً براساس نظیره نویسی بر غزلیات علیشیر نوایی و محمد فضولی سروده است. در گذشته، آثار این دو شاعر بزرگ در میان ترکمنها - مشتاقان فراوانی داشت و اندیشه های آنان با دنیای معنوی خلقمان عجین گشته بود. در حقیقت این دو شاعر و اندیشمند بزرگ را خلق ترکمن همانند دیگر خلقهای ترک زبان، بمثابة شعرای ملی خود ارج نهاده اند. توجه عندلیب به آثار این دو شاعر و همچنین عمادالدین نسیمی و الهام گرفتن از آنان، خود انعکاس و سمبلی از واقعیت فوق میباشد.

در تخمیس هائی که عندلیب با نظیره نویسی بر غزلیات نوایی و فض سروده است، آنها را با اندیشه ها و احساسات درونی خود، فرهنگ و روح

جامعه و شرایط زمان خویش بازآفرینی نموده و در حقیقت مخمس های ویژه خود را خلق کرده است. در بسیاری از موارد ایده ها و جهان بینی های حاکم بر اشعار عندلیب با هریک از دو استاد فوق الذکر متفاوت و در برخی حالات نیز ناهمخوان میباشد.

بررسی تطبیقی اشعار شاعر با اشعار پیش کسوتان او، نقل نظرات محققین مختلف در این رابطه و غور در دریای معنوی و تفکرات شاعر و توضیح جهان بینی او، نه در این مختصر میگنجد و نه اکنون توان آنرا دارم. لذا با یک ارزیابی عمومی از شخصیت اجتماعی شاعر، سخن را خاتمه میدهم.

"نورمحمد عندلیب" قبل از هرچیز شاعریست اومانیست. او در تمام آثار خود انسان و انسانیت را می ستاید. حاکمیت عدالت و انصاف بر جامعه را صادقانه آرزو میکند. در راه تلطیف احساسات و تذهیب خصائل خلاقسی انسانها پیگیرانه اهتمام میورزد.

"نورمحمد عندلیب" شخصیتی است ملی. او با تمام وجود به خلق خود، به زبان و فرهنگ، تاریخ و افتخارات ملی آن عشق می ورزد و شرافتمندانه تلاش می ورزد تا با آشنا کردن هرچه بیشتر مردم به تاریخ و افتخارات ملی شان اعتماد به نفس، غرور ملی و توان مدافعه از موجودیت و حیثیت ملی را در وجود آنان تقویت نماید. با ترجمه آثار ادبی خلقهای دیگر به زبان ترکمنی، در راه غنا بخشیدن به فرهنگ و ادب خلق خود نقش قابل ستایشی ایفا کرده است.

"نورمحمد عندلیب" در عین حال شخصیتی است بین المللی در بین خلقهای آسیای میانه، زیرا وی با آموختن زبان تمامی این خلقها و مروده با ادبا و اندیشمندان آنان، ترجمه آثار ادبی خلقهای مختلف، در حقیقت در موضع یک معمارگر پل دوستی و تفاهم بین ملتها نقش ارزنده و انسانی ایفا نمودناست.

"نورمحمد عندلیب" به حق از افتخارات ملی ماست. لذا در هرکجا که زندگی میکنیم، با بزرگداشت ۳۲۵مین سالگرد تولد این شاعر بزرگ و مطالعه هرآنچه از آثار وی در دسترس داریم، آرمانهای والایش را ارج بگذاریم. جشن بزرگداشت ۳۲۵ مین سالگرد تولد نور محمد عندلیب را همانگونه که

آرزوی این مرد بزرگ بود، به وسیلهای در جهت تقویت هرچه بیشتر وحدت ملی مان تبدیل کنیم.

دانک آتار - نوامبر ۱۹۹۰
برلین

منابع:

- ۱- شعرای ترکمن در قرن ۱۸ - قافاجان آتایف، عاشغاباد ۱۹۸۸
- ۲- گفتاری پیرامون "لیلی و مجنون" - ناظار غوللایف، عاشغاباد ۱۹۸۶
- ۳- عندلیب و سنت تخمیس نویسی - آشورپور مرداف، نشریه سووت ادب شماره ۸ سال ۱۹۸۹
- ۴- اوغوزنامه - ن.ب. حالیف، عاشغاباد ۱۹۹۰
- ۵- تورک ادبیاتی جلد ۱ - احمد کاباکی، استامبول
- ۶- نورمحمد عندلیب - ت. داغلی، نشریه ایل گویجی (واحد عاشغاباد

نمونه هائی از تخمیس های

" نورمحمد عندلیب "

۱- تخمیس های شاعر بر اساس غزلیات علیشیر نوایی

بو چارخی کجینگ شیومسی، مکر و فسون دور لوغباسی
تزویر ارور پیشاپسی، آدارغا کوپدور شیوه سی
بیهوده ارمس نالاسی، یوق عندلیببینگ کولبه سی
باردور نوایی بیکی، عشق ایچره آنداغ کیم خاسی
کوپ اورتیه دینگ اونی بسی، کوپدورمه دوزاخدا پنه .

اول پری لر پادشاهی مسند اوزره اولتوروب،
بزم دوزمیش می ایچیپ جامی مورصع دولدوروب،
خٹڈما تئندا عندلیب آسا دوروبدئر تلموروب ،
باش غویوبدور آستانیغا عبیدی غول بولوب ،
بندمدور اونگا ولی، یوز سلطنتدن عازی بار .

عشق ارا جان برمدی، دیر منده بوھتتان غالماسئن ،
کس باشئمنی، اول منینگ عشقئمدا نوقصان غالماسئن ،
آیرئلئب سندن، منینگ دک بیر موسولمان غالماسئن ،
بارسانگ، آل جانئمنی تا سنسیز مانگا جان غالماسئن ،
جان آئب، جان ایچره ناگه دانغی هیجران غالماسئن .

بوگون صابا بو کوهن دیر ارا تاپئلماس سن ،
یولونگ ماخوف دورور، غایدئب ایمدی گلئس سن ،
هممه سی فنا یولئغا باردی، باقی غالماس سن ،
ارور بهری غانیمات، می ایچ کی بیلمس سن ،
کی دهر باغیدا بولغانئنگ نه باھارغاچا .

گل عندلیبی بلاکشگه ، ساقیا می بر،
قئلای من اونی ایچیپ، جانینغا دوغا می بر،
خومار خاسالی دئر من، تاپای شئپا می بر،
"نوایی، غامئنگ اولدوردی، غامزدا می بر ،
یوق ارسه بشلا منی یاری غامگوسارغاچا .

۲- تخمیس های شاعر بر اساس غزلیات محمد فضولی

چتقئبدتر ناموسولمانئم، قتلئبدتر قاصدی ایمانئم،
 پلهکده آهی سوزانئم، گوزومده اشکی غالطانئم،
 ایچیمده دردی پئنهانئم، طبیبیا یوقمی درمانئم،
 شی هیجران یانار جانئم، دوکر غان چشمی گریانئم،
 اویادار حائقی افغانئم، غارا باختئم اویانمازمی

عمرلردیر گوزممدیم سنده ویا، ای چارخ کیم،
 راضی من اورنیغا قئلسانگ هم چیا، ای چارخ کیم،
 ایله جیسمیم تیری بارانی قاضا، ای چارخ کیم،
 هیجریده انچه بلا اوتگور مانگا، ای چارخ کیم،
 اوزگلر عشقی هووس قئلماقنا امکان غالماسئن .

ریندلر بیلره قئلئب هر دم پئغان و عربده،
 اهلی عالم بولوبدور، پریادی- نالامدان زده،
 شوکور الله منزل و ماوام بولوبدور میکده،
 شیخلار، میخانادان یوز دوندهرلر مسجده،
 بی طاریقاتلارنی گور، کیم دوغری یولدان آزادور .